

گویندگی و پیرین برنامه ها

● محمد مهاجر

تیمه کتنده رادیو

تاریخچه‌ی رادیو

برنامه‌های رادیویی از سه جزء کلام، موسیقی و افکت تشکیل می‌شود. بطور کلی کلام، از طریق سخنرانی، گزارش، بازیگری و گویندگی، بیان می‌شود. گویندگی، معمولاً، حیرانست از خواندن متن. در رادیو، گویندگی را بهترین برنامه‌ها می‌دانند و این نقل، اهمیت این شغل و حرفه را نشان می‌دهد. گوینده حاصل کار مجموعه‌ی عوامل برنامه‌ساز، متشکل از محقق، نویسنده، تهیه‌کننده و بهره‌ر را در معرض شنیدن و فشارات قرار می‌دهد. شونندگان کم اطلاع، گوینده را تنها حامل اصلی برنامه تصور می‌کنند. در سال ۱۳۳۳ یکی از گویندگان قدیمی پس از بیست سال تجربه، درباره تصور گروهی از شونندگان از گوینده نوشته است: گروهی از شونندگان رادیو هستند که گوینده را مسئول خوب و بد تمام برنامه‌هایی که اجرا می‌کنند می‌دانند و خیال می‌کنند گوینده شخصاً هم مطلب را تهیه می‌کند و هم موسیقی‌های لازم را انتخاب می‌کند و اصولاً او را فعال امپایه می‌دانند و این فکر را آنقدر توسعه می‌دهند که می‌دانند هر نوع گرفتاری که داشته باشند توسط گوینده قابل حل است. چند روز قبل اتفاقاً نامه‌ای به من رسید که نویسنده آن قدرت مرا تا جایی کشانده بود که تقاضا داشت دستور دهم رأی دادگاه دالاس دائر به محکومیت جک روی را لغو کنند. ایشان نوشته بود: من پس از تفکر زیاد به این نتیجه رسیدم که جک روی موقع ترور لری اسوالد (قاتل جان اف. کندی، رئیس جمهوری آمریکا) هینوتیوه بوده، این است که از شما خواهش می‌کنم دستور فرمایید دادگاه دالاس را لغو کنند تا اسرار بی شماری از قتل جان کندی فاش گردد.

در سال ۱۳۳۵ یکی از مسئولان رادیو درباره‌ی شناخت و آگاهی سطحی برخی از شونندگان رادیو از گویندگی، زمانی که رادیو هنوز آن گونه که امروزه شناخته شده است، شناخته شده نبود می‌نویسد: ... مشکل گویندگان رادیو این است که شوننده، صدا را از یک دستگاه بی‌روح، مانند رادیویی خانه خود می‌شنود و تصور می‌کند یک ماشین مشغول کار است و نباید یک لحظه ولفه‌ای در آن روی دهد. بنابراین وقتی گفتنی در بیان گوینده‌ای ایجاد شد، یکباره ناراحت می‌شود و به این فکر می‌افتد که این ماشین نباید اینطور باشد. در صورتی که گوینده ماشین نیست و بشری است که باید حداقل یک ربع، یک نوشته را بخواند به همین سبب لکنت و اشتباه در همه رادیوهای دنیا کم یا زیاد هست با این تفاوت که چون حفظ فارسی طوری است که یک کلمه را به چند شکل می‌توان خواند؛ اشکالاً زیادتر می‌شود.

به دور از تصور عامیانه‌ی برخی از شونندگان، در اصل گوینده به دلیل عرضه کردن و به منصفه ظهور رساندن بخش کلامی اغلب برنامه‌ها منزلت و شأن والا‌یی دارد و این نظام و منزلت توجه و اهمیت بسیاری نسبت به انتخاب، تربیت و حمایت از او را طلب می‌کند. کمترین تصور و بی‌توجهی در این امر موجب از دست دادن شونندگان و کم شدن منزلت رادیو نژاد آنان می‌شود. از ابتدای شروع کار رادیو در ایران، مسئولان مربوطه، به اهمیت کار کاملاً واقف بوده و در انتخاب کسانی که از صدا، بیان و سواد مطلوب و مناسب برخوردار باشند نهایت وسواس و دقت را بخرج می‌دادند و در این راه از متخصصان و کارشناسان متعدد بهره می‌گرفتند. خانم قدسی رهبری از اولین گویندگان رادیو، سال‌ها پیش نوشته‌اند: ... دو نفر از وزرا و عده‌ای از اساتید دانشگاه و چند نفر از کارمندان عالی مرتبه و مهندسی وزارت پست و تلگراف مشغول آزمایش اولین داوطلبان شرکت در کار گویندگی بودند. به هر حال و در واقع بخشی از حیثیت و مقبولیت رادیو در تمام دنیا مرهون گویندگان شایسته و خوش صدا و ماهر می‌باشد.



گویندگی در آغاز کار رادیو

همانگونه که قبلاً ذکر شد آقای ابراهیم سپهری از اولین مدیران رادیو در خاطرات‌شان می‌نویسند: «زمستان سال ۱۳۱۸ بود... برای انتخاب گوینده‌ای از باشگاه افسران و با حضور عده‌ای از دانشمندان و ادبا و متخصصان صوت (از جمله عده‌ای آلمانی) جلساتی تشکیل شد و امتحانات دقیقی به عمل آمد.» و بدین گونه اولین اقدامات به منظور

گوینده حاصل کار

مجموعه‌ی عوامل برنامه ساز،

مشکل از محقق، نویسنده، تهیه

کننده و ... را در معرض شنیدن

و قضاوت قرار می‌دهد.

شنوندگان کم اطلاع، گوینده را

تنها عامل اصلی برنامه تصور

می‌کنند.

استخدام گوینده برای رادیو انجام گرفت. اطلاع‌دارید که سال‌های اولیه آغاز کار رادیو، بخش برنامه‌ها روزانه هشت ساعت و نیم بود و از این میزان حدود سه ساعت و نیم به بخش موسیقی اختصاص داشت. پنج ساعت از برنامه‌ها از گفتارها و سخنرانی‌های مربوط به کشاورزی، فرهنگ، تاریخ و جغرافیا، ادبیات، بهداشت و خانه‌داری، همینطور اخبار به زبان‌های فارسی و خارجی تشکیل می‌شد؛ گفتارها را معمولاً استیپند دانشگاه و کارشناسان مربوطه اجرا می‌کردند و بخشی از آنها هم به عهده گویندگان بود اخبار فارسی را نیز گویندگان می‌خواندند. لازم به ذکر است که در آن سال‌ها هنوز اخبار از سایر بخش‌ها تکلیک نشده بود و گویندگان، هم خبر و هم مطالب عادی می‌خواندند. این روال تا دهه چهل‌امه داشت تا اینکه رفته رفته خبر، واحد منطقی شد و گویندگان ثابت و خاص خود را انتخاب و مشخص کرد اولین گویندگانی که در رادیو به کار پرداختند عبارت بودند از

آقایان رضا سجادی، موقسی، باوقلماسم طاهری و خانم‌ها قدسی رهبری، تاج الملوک نخعی و دکتر طویسی حاتری. شادروان قدسی رهبری از شروع کارش بعنوان گوینده در رادیو می‌نویسد: «سال ۱۳۱۸ در یکی از سال‌های مجلل باشگاه افسران از داوطلبان شرکت در امتحانات گویندگی آزمایش بعمل می‌آوردند. داوطلبان به ترتیب شماره در اتاق میکروفن حضور می‌یافتند. متخصص مربوطه از پشت میکروفن به ترتیب شماره‌ها را صدا می‌کرد. یک، دو، سه ... تا بالاخره نوبت به شماره پنجاه و پنج رسید دختر خانم هفده ساله‌ای با لباس ساده، موهای خرمایی روشن و چشمانی مملو از نور شادی و امید وارد اتاق شد و برای اولین بار پشت میکروفن قرار گرفت آقای مهندس ناصر فیلی یکی از مهندسان وزارت پست و تلگراف که بعدها رییس مرکز فرستنده بی سیم شد یکی از خبرهای طولانی خارجه را که خبر گزارری رویتر مخابره کرده و نام تمام شهرهای انگلستان در آن ذکر شده بود به‌سمت دادا داوطلب، خبر را در پشت میکروفن خواند و به سالن بازگشت موقع خروج از اتاق، مأمور تنظیم صدا با روی گشاده گفت خانم تریگ می‌گویم، مطمئن باشید که صدا و بیان شما حاضر رتبه اول خواهد شد و پس از چند هفته که نتیجه آزمایش تعیین گردید، نظیر ایشان تأیید شد و شماره پنجاه و پنج اولین شماره از میان سه نفر منتخبان آزمایش گویندگی رادیو بود.» بعد از افتتاح رادیو، در چهارم اردیبهشت ۱۳۱۹ در سال‌های اولیه و از آنجمله که بخش رادیو در بیسیم قصر قاجار (حوالی میدان خندان‌امور) و بیرون از شهر بود کارمندان رادیو از جمله گویندگان با مشکلات فراوان خصوصاً در فصل زمستان برای رسیدن به محل کار مواجه بودند رادیو تنها یک اتومبیل اسپرت داشت که کار بردن و آوردن نوازندگان و گویندگان را بر عهده داشت و اغلب هم با خراب بود و یا در حین رساندن کارمندان در وسط جاده خراب می‌شد و گویندگان و نوازندگان مجبور

می‌شدند تا هل دادن اتومبیل آن را روشن کنند. و زمانی هم که موفق به این کار نمی‌شدند مجبور بودند مسافت چند کیلومتری را پیاده به استودیو بروند. ریس این زمینه آقای ابراهیم سپهری در رادیو و خبرگزاری طی نامه‌ای در تاریخ سوم اردیبهشت ۱۳۲۳ به نخست وزیر می‌نویسد: از وقتی که کنترل اتومبیل‌های دولتی به اداره کل اتومبیل‌ها محول شده است، سرویس اتومبیل رادیو تهران به‌کللی مختل شده و غالباً اتفاق افتاده که بواسطه خرابی ماشین منحصراً بقدری که برای این اداره منظور داشته‌اند در اجرای برنامه بی نظمی و تعویق و نقص تولید کرده است. در این اواخر بی‌نظمی بیشتر شده و از جمله دیشپ بواسطه خراب شدن ماشین، گویندگان رادیو (که شامل عده‌ای از اتوان نیز بود) مجبور شده‌اند قسمتی از راه را پیاده از استودیو به شهر مراجعت کنند و امروز هم که به مناسبت پنجاهمین سال تأسیس رادیو تهران برنامه مخصوصی اجرا می‌شد بعثت دیر رسیدن ماشین، برنامه به تعویق افتاد و ... لذا از حضور مبارک مستعدی است به اداره کل اتومبیل‌ها امر فرمایند دو دستگاه اتومبیل نو و بی عیب (یکی را بعنوان پدگی و احتیاط) در اختیار اداره رادیو بگذارند تا اگر یک ماشین به علت معیوب و محتاج به تعمیر شد از ماشین دومی استفاده شود و اجرای برنامه‌های رادیو که اساس آن مبنی بر مراعات دقیق و تأیید می‌باشد،

مشکل گویندگان رادیو این

است که شنونده صدا را از یک

دستگاه بی‌روح، مانند رادیوی

خانه‌ی خود می‌شنود و تصور

می‌کند یک ماشین مشغول کار

است و نباید یک لحظه وقفه‌ای

در آن روی دهد.

بیش از این دچار اختلال و برای کارمندان رادیو پیش از این تولید خجالت نشود.

در ابتدای کار رادیو گویندگان تابع

رادیو در سال ۱۳۲۶ مقرر شد کمیسیونی مرکب از عده‌ای از فضلا و دانشمندان اهل فن تشکیل شود که گویندگان نزد آنها مطالب را قبل از اجرا بپاموزند. آقای دکتر ناصرالدین شاه حسینی درباره کلاس گویندگی می‌نوید: «یکی از کسانی که در تشکیل کلاس‌های گویندگی در رادیو، نقش فعال و ارزنده‌ای داشت، مرحوم دکتر رضایزاده

از ابتدای شروع کار رادیو

در ایران، مسئولان مربوطه، به

اهمیت کار کاملاً واقف بوده و

در انتخاب کسانی که صدا، بیان

و سواد مطلوب و مناسب

برخوردار باشند نهایت وسواس

و دقت را بخرج می‌دادند و در

ایس راه از متخصصان و

کارشناسان متعدد بهره

می‌گرفتند.

شفق بود که همیشه اصرار داشت گویندگی همه‌ی برنامه‌ها با دقت تمام انجام گیرد و احياناً اگر برنامه‌ای بخش می‌شد و گوینده‌ای واژه یا جمله‌ای را نیاقص و نارضا و اشتباه ادا می‌کرد ایشان اولین کسی بود که به رادیو تلفن می‌کرد و ابرام می‌گرفت و مورد ایراد را تذکر می‌داد.

اولین کلاس گویندگی که در رادیو تشکیل شد به عهده من بود و من در آن ایام از شادروان دکتر محمد معین، دکتر پرویز نائل خانلسری، استاد جلال الدین همایی، دکتر خطیبی و از خود دکتر رضایزاده شفق دعوت کردم که در تشریف بیاورند و در مواردی که در تخصصشان بوده و لازم می‌دانستند، برای گویندگان رادیو تدریسی بفرمایند، تا به این ترتیب گویندگان بتوانند نکات مربوط به درست سخن گفتن را یاد بگیرند. این کلاس‌ها

گذشته طرحی برای ایجاد بخش اجرایی برنامه تهیه شده توضیح می‌دهد که این طرح به تصویب هیچ مقامی نرسیده و همانطور که نگاشته شده طرحی پیش نبوده است؛ حقیقت امر هم اینست که مطالب و چیزهایی که گفته می‌شود توسط اداره کل انتشارات و تبلیغات تهیه میگردد و موسیقی رادیو را هم اداره کل موسیقی کشور اداره میکند اجرای این قسمت هم با گویندگان و نوازندگان است که در مواقع معینی در استودیو حضور یافته و برنامه را اجرا می‌کنند و اینکه مرفوم شده است از اول فروردین امسال بودجه گویندگان از حسابداری حساب نخست وزیری دریافت شود گمان می‌رود سوء تفاهمی روی داده است. زیرا پرداخت حقوق اشخاص مزبور و رانندگان از حسابداری نخست وزیری برای این بوده است که رییس حسابداری اداره کل انتشارات در ضمن ریاست حسابداری، عهده‌دار دفتر نخست وزیری هم هستند و بنابراین حقوق اشخاص نامبرده از اعتبارات مخصوص اداره کل انتشارات پرداخت می‌شود. اینک که اداره کل انتشارات و تبلیغات ضمیمه وزارت فرهنگ شده، همه‌ی اداره‌های آن و قسمت گویندگان و رانندگان وساطت نقلیه‌ی رادیو هم جزو بودجه‌ی این وزارت منظور شده است. بنابراین همانطور که وزارت پست و تلگراف و تلفن در پایان نامه خود پیشنهاد نموده‌اند، اداره کردن گویندگان با وزارت فرهنگ است و وسایل آمد و رفت ایشان از شهر به استودیو و نیز رساندن اخبار و مطالب توسط این وزارت خانه تأمین خواهد شد. تقاضا دارد با ترتیب فوق موافقت و منظور فرمایند وزارت پست و تلگراف و تلفن گویندگان و سایر مأموران مربوط به اداره رادیو را به اداره کل انتشارات و تبلیغات معرفی فرموده و فقط قسمت فنی را که از وظایف آن وزارت خانه عهده نمایند.

در پایان این بخش اشاره می‌شود به دلیل اهمیت کار گویندگی براساس موافقت کمیسیون تجدید نظر در برنامه

وزارت پست و تلگراف و تلفن بودند و پس از مدتی اختلاف بین این وزارت خانه و وزارت فرهنگ در مورد تابعیت آنها، بالاخره بدستور نخست وزیر مقرر شد گویندگان تابع وزارت فرهنگ شوند. وزیر فرهنگ وقت در پست و سوم آذر ماه ۱۳۲۰ در پاسخ به نامه وزارت پست و تلگراف و تلفن در همین زمینه به نخست وزیر می‌نوید:

«جناب آقای نخست وزیر، در پاسخ مرقومه شماره ۱۰۰۳۷ پست و دوم آبان ماه ۱۳۲۰ حاوی رونوشت نامه وزارت پست و تلگراف و تلفن، راجع به تفکیک وظایف آن وزارت خانه و وزارت فرهنگ در مورد گویندگان رادیو، خاطر عالی را آگاه می‌سازد که اساساً موضوع گویندگان چیزی نیست که اختلافی در باب آن حادث شود. از روزی که رادیو تأسیس شد گویندگان جزه کمیسیون سابق رادیو بودند و با

گوینده به دلیل عرضه کردن بخش کلامی اغلب برنامه‌ها منزلت و شان والایی دارد و کمترین تصور و بی‌توجهی در این امر موجب از دست دادن شنوندگان و گم شدن منزلت رادیو نزد آنان می‌شود.

تعلیقات و دستوراتی که به ایشان داده می‌شد انجام وظیفه می‌کردند. تهیه وسائط حمل آنها به استودیو هم جزو بودجه ریخته‌خانه (کمیسیون) رادیو منظور شده و پرداخت می‌شد. البته تا مدتی که در استودیو کار می‌کردند تابع نظامات آنجا بودند. پس از اینکه کمیسیون رادیو منحل و امور رادیو جزه اداره کل انتشارات و تبلیغات قرار گرفت به علی مسأله گویندگان صورت صحیحی بخود نگرفت و به همین جهت اصلاحاتی که در نظر بود راجع به گویندگان انجام نشود، تاکنون به مرحله اجرا نگذاشته است. اینکه در نامه وزارت پست و تلگراف و تلفن مرفوم شده است سال

بعداً گسترش پیدا کرد و زیر نظر اداره آموزش قرار گرفت و تعداد و انواع این کلاس‌ها بیشتر شد تا آنجا که در طول سال اغلب یک یا دو نوع کلاس برای گویندگان خبری و برنامه‌های دیگر، زیر نظر استادان مجرب تشکیل می‌شد.

نگاهی به اصول گویندگی؛ دیروز- امروز

در سال ۱۳۲۲ و پس از تجربه‌های بیست و سه ساله، یکی از مسئولان رادیو در پاسخ به مراجعه خیلی عظیمی از دوستداران و علاقمندان

در تصام دنیا، بخشی از حیثیت و عقولیت رادیو مروهون گویندگان شایسته، خوش صدا و ماهر است.

کار گویندگی، و در جهت رفع سوء تفاهم اغلب آنان درباره گویندگی نکاتی را تذکر می‌دهد که از آنها می‌شود به عنوان اصول شناخته شده و تجربه شده گویندگی نام برد ایشان می‌نویسد: حرف زدن و صحبت کردن عسارت از استقلال فکسر و منظوری از یک نفر به یک یا چند نفر دیگر است. در هر سطر و جمله‌ای از یک مطلب همیشه فکر یا مقصودی نهفته و کار گوینده اینست که آن فکر را طوری به شنونده منتقل کند که برای وی قابل فهم باشد و به هیچ وجه احتیاج به تکرار آن جمله و یا توضیح درباره آن فکر نباشد. نکته مهم دیگر اینست که گوینده بوسیله انتقال آن فکر باید قدرت آن را داشته باشد که توجه شنونده را بخود جلب کند و این توجه و دقت شنونده را تا پایان مطلب نگهدارد و مهمترین قسمت انتقال فکر، عبارت از اینست که گوینده بوسیله القاء فکسر شنونده را به فعالیت و جنبش وادار کند و در او حرکت ایجاد کند. برای رسیدن به

هدف‌هایی که ذکر شد گوینده باید شخصیت گویندگی خود را طوری در صدایش منعکس کند و صدای خود را طوری سازد که دارای خصوصاتی شرح زیر باشد:

- ۱- قدرت برقراری ارتباط
- ۲- قدرت انتقال فکر
- ۳- قدرت انتقال حس
- ۴- منعکس کردن شخصیت
- ۵- لفظ و ادا کردن درست لغات و کلمات

از این مراتب که بگذریم، مسأله هدف پیش می‌آید گویندگی مانند هر فن دیگری دارای هدفی عالی است. گوینده‌ای که می‌خواهد در کارش توفیق پیدا کند و روز بروز پیش برود باید تمام مفاهیم این هدف را بخوبی درک کند و همیشه به فکر رسیدن به حد عالی و نهایی‌اش باشد. درک این هدف و کشش که در راه رسیدن به آن صورت می‌گیرد مبارزه اصلی شخصیت هنری و گویندگی یک گوینده است. اگر انتخاب هدف و برگزیدن راه رسیدن به مقصود، اشتباه و نادرست باشد، هیچ وقت گوینده روی موفقیت و راحتی وجدان و آسودگی خاطر را نخواهد دید.

اگر گوینده برای بدست آوردن مقام و محبوبیت یا خودنمایی این شغل را انتخاب کرده است باید تا کمال تأسف

را پرورش دهد و خوب هم پرورش دهد. کار و رنج‌بردن بسیار است، هیچ کس در دنیا با خیال و اوام و افکار مشغع و عالی که به فعل درنهمده است بجایی نرسیده مگر اینکه آنها از قوه به فعلی در آیند، و شخص کار کند، زحمت بکشد، رنج‌ها و ناملایمات را بر خود هموار سازد تا به شخصیت واقعی خود در بیاید و گوینده هم از این قاعده مستثنی نیست اگر کسی برای بدست آوردن پول دست به کار گویندگی زده است بهتر بود تاخر یا کاسب می‌شد، چون استعداد آن کار را بیشتر دارد. همچنین اگر برای کسب شهرت و محبوبیت است آنهم راه‌های دیگر دارد. شهرت و محبوبیت در پایان این راه دور و دراز قرار دارد اگر کسی استعداد کسب شهرت و محبوبیت را داشته باشد؛ در شغل گویندگی نخواهد توانست این استعداد را اعمال کند چون شهرت و محبوبیت بسته به اراده شخص نیست؛ این امر بستگی به عوامل دیگری دارد که جای بحث درباره آن این‌جا نیست اما هدف گویندگی چیست؟ هدف گویندگی تنها یک چیز است و آن خدمتی است که گوینده انجام می‌دهد شاید خدمت به عنوان عالی‌ترین هدف گویندگی بنظران باور نکردنی بیاید ولی هیچ هدفی در حرقه گویندگی بالاتر از



این نیست و رسیدن به آن هم، آنطور که بنظر می‌آید، سهل و آسان نیست گوینده کاری جز خدمت انجام نمی‌دهد و اگر هدف هم غیر از این کلمه چهار حرفی

بگویم او در این راه هیچگونه موفقیتی بدست نخواهد آورد. زیرا هنر اگر چه زاده فکر و احساسات غریزی و ذاتی است ولی عامل مهمی که باید این نوزاد

جذاب بود. این اصل رفته رفته به دست فراموشی سپرده شد و امروزه رادیو تقریباً فاقد گویندگانی است که صدایشان دارای چنین ویژگی‌هایی باشد و



گویندگان قدیمی هم برخی به دیار باقی شایسته‌اند. برخی خانه نشین شده و برخی هم جلای وطن کرده‌اند. دیگر از تفاوت‌ها، داشتن معلومات و سواد کافی و مناسب است که در گذشته بسیار مورد توجه بود و امروزه به آن کمتر بها داده می‌شود همانطور که قبلاً ذکر شد در دهه‌ی سی، مجمعی از دانشمندان و فضلا برای تعلیم گویندگان و آموزش مطالب به آنها در رادیو تشکیل شده بود، غیر از این حضور مدوام استادان و فضلا و علمای طراز اول در بخش‌های مختلف رادیو از جمله برنامه‌سازی به عنوان مسئول، محقق، نویسنده، کنترل کننده و ... باعث می‌شد تماس گویندگان با اینگونه افراد در ارتقای دانش و سوادشان مؤثر باشد و در واقع یک نوع فضای فرهنگی و دانشگاهی در رادیو حاکم بود که گویندگان هم لامحاله از آن تأثیر می‌پذیرفتند و به همین دلیل رادیو و آنچه که در زمینه‌های ادبی، علمی، فرهنگی هنری توسط آن ارائه می‌شد از اعتبار علمی بالایی برخوردار بود و به نوعی سخن گویندگان برای شنوندگان رادیو حجت بود، چیزی که متأسفانه امروز از آن بی‌مهرم. البته دلایل بسیاری موجب بروز چنین پدیده‌ای شده از جمله شرایط تاریخ انقلاب، جنگ تحمیلی، فرار مغزها، کمبود بودجه و ... به هر حال در این زمینه نیاز به ارزیابی علمی و دقیق و تجدید نظر در عملکرد مسئولان و دگرگونی دیدگاه‌ها شدت احساس می‌شود. همانگونه که در ابتدا ذکر شد بخشی از اعتبار و حیثیت رادیو،

واضح نخواهد بود و شونده را خسته می‌کنند. در کنار گویندگی کسانی موفق می‌شوند که عادت نفس بد و ناقص را کنار بگذارند و با تمرین مداوم و منظم، نفس خود را تحت نظم و قاعده صحیحی در آورند این موضوع حتی در مورد گویندگان کار کشته نیز صادق است.

نکته دیگری که دوستداران فن گویندگی باید بدانند پاکی صدا و حالت آن است. زیرا حالت صدای اشخاص به چند دسته تقسیم می‌شود که عبارتست از ناله‌ای، خودمانی، فلسفی (خشک)، عسوه‌ای (البته این صدا تنها مخصوص زنها نیست)، اعتراضی، اتماسی، لوس و شخصیت فروش. گوینده خوب کسی است که صدای خود را از تمام این



حالات حفظ کند و برای این کار بهترین راه اینست که گوینده به صدای خودش گوش کند. در خاتمه کلیه کسانی را که به این فن روی آورده‌اند مورد خطاب قرار داده و می‌گویم علاوه بر مسائلی که ذکر شد، گویندگان تازه کار و علاقمندان به این فن باید این امر را در نظر بگیرند که گوینده‌ای که ذوق و علاقه دارد ولی عاری از استعداد و پشتکار و ایمن است، محال است به جایی برسد.

نظر و دیدگاه یکی از مسئولان رادیو درباره گویندگی و اصول آن را در دهه‌ی چهل خواندیم. حاصل بیستم چه تغییر و تحولی در این دیدگاه طی این سال‌ها روی داده. در مقایسه با سال‌های دهه‌ی سی و چهل می‌توان این تفاوت‌ها را با گویندگان و گویندگی در سال‌های اخیر مشاهده کرد. گویندگان قدیمی از صدای جذاب، مناسب و بیانی سالم برخوردار بودند و در واقع یکی از اصول اولیه در انتخاب گوینده داشتن صدای استثنایی و

باشد گوینده در شغل و حرفه خود شکست خواهد خورد. گوینده‌ای که خیر می‌خواند و گوینده‌ای که برنامه‌های مختلف را اجرا می‌کند خدمت انجام می‌دهد و اگر متنی از ادبیات می‌خواند؛ هم به شناساندن ادبیات خدمت کرده و هم به بالا بردن سطح اطلاعات و معلومات شونده. مطلبی که شاید بنظر عجیب بیاید این است که گویندگان خیر در تمام دنیا محبوب‌ترین گویندگان هستند. شاید علت این امر هنر خاصی باشد که گویندگان خیر در کار **Diction** یعنی تلفظ کامل لغات دارند. گوینده‌ای که آخر کلمات را بهم می‌چسباند و آن را می‌خورد و یا کلمات را ناقص ادا می‌کند و یا برخی از حروف و کلمات را تودماغی تلفظ می‌کند، نمی‌تواند گوینده خوبی باشد البته برای مقدار کلماتی که گوینده در دقیقه می‌تواند ادا کند یک حد متوسط وجود دارد این حد متوسط در مردم عادی هشتاد تا نود کلمه در دقیقه است و در گوینده رادیو از صد و بیست تا صد و شصت کلمه ولی در بعضی کشورها گویندگانی هستند که در هر دقیقه دویست کلمه صحبت می‌کنند بدون اینکه حتی کلمه‌ای را ناقص ادا

به دلیل اهمیت کار گویندگی، براساس موافقت کمیسیون تجدید نظر در برنامه رادیو، در سال ۱۳۲۶ مقرر شد کمیسویی مرکب از عده‌ای از فضلا و دانشمندان اهل فن تشکیل شود که گویندگان نزد آنها مطالب را قبل از اجرا بیاموزند.

کنند و یا آخر کلمات را بچوند و یا کلمه‌ای را به کلمه بعد بچسباند اما اگر صدای گوینده‌ای دارای تمام این خاصیت‌ها باشد ولی طرف تلفظ او صحیح نباشد و در موقع حرف زدن انرژی بهره‌ده مصرف کند؛ صدای او

به وجود گویندگان خوش صدا، با معلومات، ماهر و مسلط در بخش‌های خبری و برنامه‌های عادی بستگی دارد و یکی از دلایل کم شدن شنوندگان رادیو را هم می‌توان کمبود در این زمینه دانست.

خاطرات تلخ و شیرین گویندگان

آقای تقی روحانی از گویندگان قدیمی و خوش بیان و صدای رادیو نوشته‌اند: ماه‌های آخر حکومت دکتر مصدق بود، هنوز مجلسین منحل نشده و وکلای اقلیت با تمام قوا می‌کوشیدند دولت را ساقط کنند، آن روزها جلسات مجلسین نامشایی بود در یکی از همین

یکی از کسانی که در تشکیل

کلاس‌های گویندگی در رادیو،

نقش فعال و ارزنده‌ای داشت،

مرحوم دکتر رضازاده شفق بود

که همیشه اصرار داشت:

گویندگی همه‌ی برنامه‌ها با

وقت تمام انجام گیرد.

روزها یکی از وکلای مجلس شورای ملی ضمن نطق مفصل خود سیاست خارجی و داخلی دولت را بندهت مورد حمله قرار داد. وضع اداره تبلیغات در آن زمان طوری بود که مسئول اداره بدون اجازه رییس دولت قادر به انجام هیچ کاری نبود. آن روز هم برای بخشی گزارش مجلس ناچار بود از شخص نخست‌وزیر کسب دستور کند، او تا ساعت دو و نیم بعداز ظهر موقت نشد و ناچار تصمیم گرفت که نطق وکیل مخالف را خلاصه کند و همین طور از من خواست آن را "شل" بخوانم. نخست‌وزیر که بدون استثناء تمام اخبار رادیو را گوش می‌کرد آن روز هم با سابقه قبلی که از نطق نماینده مخالف داشت با کمال دقت اخبار را کنترل می‌کرد، با شنیدن نطق نماینده از زبان من که طبق دستور شل می‌خواندم، خیال کرد این نطق آن

طور که گزارش داده بودند چندان شدید نبوده این بود که به رییس اداره تبلیغات دستور داد متن کامل نطق پلافاصله پس از پایان خلاصه آن و یکبار هم روز بعد خوانده شود، این دستور را در استودیو به من ابلاغ کردند همانجا به رییس اداره گفتیم: "در مورد تکرار این سخنرانی در برنامه‌ی خیر فردا صبح، آقای نخست‌وزیر تجدید نظر خواهند کرد پرسید چطور؟ گفت متن کامل آن را گوش کنید خودتان خواهید فهمید" حین خواندن متن کامل من کم کم تن صدا را از آن حالت شلی خارج کردم و طرز خواندنم طبیعی شد و بقول همکارانم یواش یواش دور گرفته بودم و هر چه از استاد موخته بودم به کار بردم و نطق کامل را با تمام ریزه کاری‌ها، تحویل شنوندگان عزیز دادم. وقتی از استودیو خارج شدم، گفتند آقای نخست‌وزیر گفته‌اند فردا صبح دیگر لازم نیست این نطق خوانده شود.

ناصر خدایار و لوطی عتري

ناصر خدایار از گویندگان قدیم حکایت می‌کرد:

"یکی از اعیاد بوده، من خواستم یک رپرتاژ از صداهای تهران تهیه کنم در این رپرتاژ همه جور آدمی شوکت کرد از نفت فروش گرفته تا آب حوضی، حاجی قیروز، گل پونه‌ای و دیگران البته مطرب‌های دوره گرد از نظرم دور نبود، رفتم محله کلبسی‌ها، بکدسته مطرب لوطی عتري بدون عتر آوردم رادیو. مطرب‌ها چند روزی وقت مرا گرفتند تا رپرتاژم درصنیت شنید و موقعی که کارلوطی عتري‌ها تمام شد خواستم به آنها بگویم، هم کار کردم نگرفتند و شرفسته لوطی‌ها وقتی در مقابل اصرار من قرار گرفت گفت: آقا اختیار دارین ... چطور می‌خواهین در عالم همکاری از شما پول بگیریم!"

اشتباه لبی گوینده

اسماعیل پور والی از مسئولان رادیو در سال ۱۳۳۵ تصریف می‌کرد: "در ایام عید که برنامه‌های فوق‌العاده اجرا می‌شود رادیو به کار وسیع‌تر و گویندگان

بیشتر احتیاج دارد؛ اما موقعی که من رییس رادیو بودم تعداد گویندگان بسیار کم بود و ما برای یافتن گوینده سخت به زحمت افتاده بودیم تا اینکه فکر بکری باخاطرمان رسید، آن این بود که از گویندگان رادیو تبریز کمک بگیریم و بدین جهت روزی که آقای راجی گوینده رادیو تبریز به تهران آمد و خود را معرفی کرد من دیگر از خوشحالی سرپا بند نبودم و تقاضا کردم که یک لحظه هم معطل نشود و فوراً در استودیو مشغول کار شود. چند دقیقه بعد راجی

حرف زدن و صحبت کردن

عبارت از انتقال فکر و منظوری

از یک نفر به یک یا چند نفر

دیگر است. در هر سطر و

جمله‌ای از یک مطلب همیشه

فکر یا مقصودی نهفته است و

کار گوینده این است که آن

فکر را طوری به شنونده منتقل

کند که برای وی قابل فهم

باشد.

در استودیو بخش رادیوتهران بود و اولین خبری که اعلام کرد این بود: اینجا رادیو تبریز است!"

یازده دقیقه سکوت!

در سال ۱۳۲۱ یکی از گویندگان قدیم تعریف می‌کرد: "یادم می‌آید چندین سال پیش در اوتالی شغل گویندگی‌ام یک روز مشغول خواندن اخبار بودم، در آن زمان اخبار فقط پنج یا شش دقیقه قبل از وقت، بدست گوینده می‌رسید در آن روز ضمن اخبار می‌بایست نطق طولانی و مهم یکی از رجال را نیز پشت میکروفن قرائت می‌کردم، این تیز حدود پنجاه صفحه کوچک ماشین شده‌بود ولی نسخه‌ای که بدست من دادند چهارمین کیس ماشین تحریر بود که رنگ و روی درستی نداشت و به سختی کلمات

کار آفتابز مقرر شده بودند که اصلاً مرور برنامه را کسر شأن خودشان می‌دانستند. نواز ضبط صوت هم که نداشتیم و گفتار زنده اجرا می‌شد برای اولین بار این ابتکار را هم من به کار برده بودم که اعلام برنامه توسط یک نفر و متن برنامه توسط دیگری خوانده می‌شد و بدیهی است خودشان می‌توانید حدس بزنید وقتی آقای گوینده وسط گفتار رسید و فهمید راجع به کود شیمیایی تحت عنوان گفتار خانه داری مشغول در الفشالی است چه وضعی پیدا شد و هسر حال به سختی ادامه داد و مطلب را به انتها رساند اما جالب‌ترین نکته این بود آن روزها، چستد تفسر را در وزارت پست و تلگراف مأمور کرده بودیم این گفتارها را حین پخش از رادیو کنترل

در ابتدای کار رادیو، گویندگان تابع وزارت پست و تلگراف و تلفن بودند و پس از مدتی اختلاف بین این وزارت خانه و وزارت فرهنگ در مورد تابعیت آنها، بالاخره مقرر شد گویندگان، تابع وزارت فرهنگ شوند.

کنند و گزارش بدهند فردای آن روز که گزارش کنترل کننده برنامه خانه‌داری را می‌خواندم با کمال تعجب مشاهده کردم نوشته است: محترمانه به عرض می‌رساند مطالب برنامه خانه داری امروز بسیار عالی و آموزنده بود و الحق کمک بزرگی به بانوان در طبخ غذا و آیین خانه داری می‌کرد!

شادروان محمود سعادت از گویندگان میریز رادیو سرگذشت گوینده شدنشان را اینگونه تعریف کرده‌اند:

پیش از آنکه به کار گویندگی

و در این مدت، صدایی از رادیو پخش نمی‌شد. سرانجام من و ایراتور مثل اینکه آب از آب تکان نخورده باشد بدون اعتراض به یکدیگر کار خود را شروع کردیم، کسی هم از ما نپرسید چرا رادیو پنازه دقیقه سکوت داشته، چرا تعلق را نیمه کاره رها کردید؟!

شاهکار

شادروان عزیز سر الله حاتمی از نویسندگان رادیو، خاطره‌ای از گویندگی دارد او می‌گوید: در سال ۱۳۲۰ از زمان تصدی دبیرخانه رادیو؛ شاهکاری که نتیجه ابتکار من بود از رادیو پخش شد! آن روزها رادیو در سه اتاق کوچک در عمارت لیشر در میدان سپه قرار داشت امور فنی آن بوسیله وزارت پست و تلگراف اداره می‌شد و برنامه‌های آن توسط دبیرخانه کمیسیون رادیو که تابع سازمان پرورش افکار بود تهیه و اجرا می‌شد البته سازمان پرورش افکار وجود خارجی نداشت و همه کارها را می‌بایست من و سه نفر ماشین نویسی انجام دهیم و من هم تصمیم گرفته بودم کاری کنم که لائق برنامه‌های غیر از اخبار، یکی دو هفته جلو بیفتد. با گرفتن اختیاری از آقای محمد حکیمی معاون وزارت پست و تلگراف موفق شدیم برنامه‌های گفتار خانه داری، گفتار بهداشتی، گفتار کشاورزی، گفتار اجتماعی، گفتار تاریخی و جغرافیایی را یک ماه جلو بیندازیم و من برای هریک از این گفتارها قسمتی درست کرده بودم و مهر چهار گوش کوچکی روی آنها زده می‌شد و لاو روز قبل‌بازی اجرا به استودیوی پی‌سی‌م قصر فرستاده می‌شد. یکی از خانم‌های ماشین نویسی که آن روزها نامزدی پیدا کرده بود، مأمور زدن مهر اول گفتارها بود این خانم بدون آنکه گفتار را بخواند روی یک گفتار کشاورزی که راجع به کود شیمیایی بود، گفتار خانه‌داری زده بود! گوینده‌های آن زمان هم پس از مدتی

تشخیص داده می‌شد در هر صورت با همه معایبی که داشت ناگزیر از خواندن بودم. با ترس و نازاحتی فراوان پشت میکروفن نشستم و آرام آرام شروع به خواندن کردم، موقمی که صفحه دوازدهم را خواندم متوجه شدم که صفحه بعدی یعنی صفحه سیزدهم سر جایش نیست! خیال کردم بعثت پس و پیش شدن کاغذها صفحه سیزدهم را پس از صفحه چهارده یا پانزده پیداخواهم کرد با شتاب پنجاه صفحه کاغذ ماشین شده را به امید یافتن صفحه سیزدهم ورق زدم اما متأسفانه نه تنها صفحه سیزدهم پیدا نشد بلکه ترتیب سایر صفحات هم بهم خورد و بکلی تعلق درهم و بر هم شد اما من از تلاش



برای پیدا کردن صفحه سیزدهم باز ناپتادم در همان حال که میکروفن پخش باز بود از استودیو خارج شدم و به سرعت تمام کتوهای میز اتاق دفتر استودیو را هم زیر و رو کردم، آنجا هم صفحه سیزدهم پیدا نشد، از پله‌های طبقه سوم پایین آمدم و راهروها را گشتم آنجا هم چیزی نبود، درحیاط پی‌سی‌م کنار باغچه کاغذی توجهم را جلب کرد با عجله کاغذ را برداشتم صفحه سیزدهم بود اما چه کاغذ و چه اخبار و چنظقی! پاران و رطوبت ستمه رنگ و روی کلمات را شسته و محو کرده بود، به هر حال خودم را به استودیو رساندم و آماده خواندن شدم، اما مأمور فنی دستور اتاق فرمان را ترک کرده بود معلوم شد او هم که متوجه غیبت من شده همه جا را به دنبال من زیر پا گذاشته، این جستجوها و دوندگی‌ها حدود یازده دقیقه طول کشید

بپردازم سردبیر یکی از روزنامه‌های صبح پایتخت بودم. شسی یکی از همکاران روزنامه نویسم که با هم فقط سلام و علیک خشک و خالی و به اصطلاح آشنایی دوری داشتیم به چاپخانه تلفن کرد که برای پر کردن صفحات روزنامه چند خبر کسر

گوینده باید شخصیت خود را طوری در صدایش منعکس کند که صدایش دارای این خصوصیات باشد: قدرت برقراری ارتباط، قدرت انتقال فکر، قدرت انعکاس کردن شخصیت و تلفظ و ادا کردن درست کلمات.

دارم، ضمن اینکه اخبار را تلفنی برای او دیکته کردم، رفیقم گفت: راستی صدای تو خیلی مناسب گویندگی رادیو است، میل داری گوینده رادیو شوی؟ گفتم بسیار مایلیم، اما دوست عزیز، گوینده شدن در رادیو به این سادگی هم که من و تو فکر می‌کنیم نیست. گفتم: من فکر می‌کنم که رادیو بوجود تو احتیاج داشته باشد. صبح روز بعد هر دو در اتاق رئیس رادیو بودیم، دوستم مرا با آب و تاب معرفی کرد و از محاسبات من تعریف و تمجیدها نمود خلاصه من و جوان دیگری که او هم آرزوی گویندگی داشت برای آزمایش صدا به اداره کلب پیسیم پهلوی معرفی شدیم هر دو با ترس و لرز پشت میکروفون نشستیم و قسمتی از اخبار خارجه یکی از مجلات هفتگی تهران را بعنوان امتحان با صدای لرزانی اول او و بعد من خواندیم، از سوی دیگر هم اسامی خارجی مشکلی هم لایلی اخبار چاشنی کرده بودند. اما چون من همیشه به اخبار رادیو تهران

گوش می‌دادم و از طرفی روزنامه نویس هم بودم و خواه و ناخواه سر و کارم با اخبار بود، این اسامی برایم تلاطمی نداشت و نامانوس و غریب و عجیب هم نبود و همه آنها را براحتی و بدون لکنت خواندم. اما بخوبی یادم هست که رفیق همکار من "آچمن" وزیر امور خارجه اسبق امریکا را "آحسن" خواند دو روز بعد که برای نتیجه کار به اداره رادیو مراجعه کردم از قیافه رئیس رادیو حدس زدم که در آزمایش گویندگی مردود شده‌ام اتفاقاً پیش بینی من صحیح از آب در آمد، به من گفتند



متأسفانه صدای شما مناسب رادیو نیست، سوادتان هم و از این دو بالاتر، در تلفظ کلمات لهجه شهرستانی!! وجود دارد. رئیس رادیو برای اثبات بن نظری خود عین ویژه آزمایش را جلو چشمم گرفت و برای آنکه اضطراب و نگرانی مرا تسکین داده باشد گفت "اشکالی ندارد" شما تمرین کنید تا صدایان خوب شود، انشاءاله هر وقت صدایان خوب شد و معلومات کافی هم کسب کردید خودمان خبرنگاران می‌کنیم.

دیگر حرفی نداشتم بزنم، در حالی که سرم گیج می‌خورد بدون خداحافظی برای آنکه

خجالت نکشم از اداره رادیو خارج شدم. دو شب بعد زنگ تلفن چاپخانه صدا کرد، رفیق روزنامه نویسم که این لقمه را برایم گرفته بود گفت: "فردا صبح اول وقت به اداره رادیو سری بزن، به گمانم با تو کاری دارند." گفتم دوست عزیز، در این دو روز نه صدای من خوب شد نه معلوماتم تکمیل گردید و نه آن لهجه... گفتم: "زیاد سخت نگیر" در هر صورت مجدداً اداره رادیو مراجعه کردم، رئیس رادیو تا چشمش به من افتاد خندید و کرد و گفت: آقا من از شما معذرت می‌خواهم، در ورقه نتیجه آزمایش صدا نام شما دو نفر اشتباه نوشته شده، سواد کم و صدای نامناسب مربوط به رفیق شما بوده است و من بار دیگر معذرت می‌خواهم، شما از هم اکنون هم بروید گفتار امروز را بخوانید. با این خاطره‌ی تلخ و شیرین کار گویندگی من آغاز شد، بعدها فهمیدم رفیقم که با من در آزمایش صدا شرکت کرده بود. از طرف یکی از سفارتخانه‌های خارجی جهت گویندگی فارسی برای آزمایش به رادیو تهران معرفی شده و پس از گرفتن جواب قبولی اشتباهی بدون معطلی با هواپیما به آن کشور مسافرت کرده است و هم اکنون هم گوینده فارسی است و هنوز هم لهجه خود را از دست نداده است، اما سوادش را نمی‌دانم کامل کرده است یا خیر!

خاتم کوکب پرنیان - که در آغاز کار در رادیو به نام همسرش محمود رجاء، به رجاء مشهور بود - که از پیاد آوری آن روزها دچار هیجان می‌گردید، می‌گوید: دو سال از تأسیس رادیو گذشته بود که روزنامه‌ها اعلام کردند. رادیو گوینده



در اتاق فرمان دراز به دراز روی زمین خوابیده، گفتم آقا جان بیدار شو، من سرفه‌ام گرفته، و بالاخره پس از صاف کردن سپه‌ام دوباره پشت میکروفون قرار گرفتم و به کار ادامه دادم.

اسامی برخی از گویندگان قدیمی رادیو

در اینجا به ذکر نام برخی از کسانی که حرفه اصلی‌شان در رادیو گویندگی بود (و هست) می‌پردازیم. لازم به یادآوری است بسیاری از برنامه‌ها را نویسنده یا کارشناس یا طراح و مسئول برنامه شخصاً اجرا می‌کرد یا برخی از بازیگران گویندگی بعضی از برنامه‌ها را به عهده داشتند. در اینجا تنها به ذکر نام گویندگان پرداخته می‌شود؛ خانم‌ها شادروان قدسی رهبری، دکتر طوسی حائری، کوکب پرنیان، مولود عاطفی، فرورزنده آریایی، ایراندخت پرتوی، شادروان مولود کتغانی، آذر پژوهش، صدیقه رسولی (روشنگر)، فریده آموزگار، هما احسان، شنگره رضایی، مهتری ایبژدی، توران لطفی، سرور پاکنشان، ناهید تاج‌نیا، مریم ریاضی، فخری نیکزاد، فرورزه امیر معز، پروین صادقی، پروین چهره نگار، زاله کبانی‌نژاد (زالاک)، مستوره زسندی و آقایان: ابوالقاسم طاهری، رضا سجادی، تقی روحانی، شادروان محمود سعادت، شادروان محمدسلطانی، شادروان کمال الدین مستجاب الدعوه، شادروان اسد الله پیمان، محمد علی غزوی، مرتضی صمدانی، ابراهیم رشیدیور، ایرج کرکین، محمد خواجه‌بها (مازی)، حسین توصیفیان، محسن رضائیان، نورالدین ثابت ایمانی، اکبر معانی، ناصر احمدی، غلامعلی امیر نوری، جمشید عدیمی، بیژن پرنیا، فریروز امیرابراهیمی، مرتضی اخوت، حمید عاملی، فریدون توفیقی، رضا معینی، بهروز رضوی، محسن رفیعی و شادروان حسین نادری.

می‌پذیرد. سیصد نفر در مسابقه شرکت کردیم و من و دو نفر دیگر قبول شدیم این بزرگترین شادی زندگی جوانی من بود، یادش بخیر، چه زمانی، عجب وضعی بود، باور نکردنی است آن زمان از خیابان شاه‌رضا (انقلاب اسلامی امروزی) به بالا بیابان بود و اداره پی میم که در جاده شمیران قرار داشت به نظر می‌رسید که آن طرف دنیاست و ما در برف و بازار و گل و خاک با یک اتومبیل استیشن فرافسه، خودمان را به استودیو می‌رساندیم همسفرهای همیشگی من در این راه سونپای سلیم زاده، تقی روحانی، جمشید شیرخدا و نجفی بودند که وقتی هنوز ستاره‌ها در آسمان چشمک می‌زدند راه می‌افتادیم بارها در این راه، اتومبیل خراب شد و ما ناچار می‌شدیم بقیه راه را بدویم گاهی هم مجبور بودیم با کامیون و درشکه و حتی آمبولانس خودمان را به استودیو برسانیم. این وسایل نقلیه به جایی رسیده بود که همسایه‌ها به آمد و رفت‌های من بد گمان شده بودند.

یک روز هم وقتی گفتاری را می‌خواندم سرفه‌ام گرفت، رسم این بود وقتی سرفه مان می‌گرفت، دکمه‌ای را فشار می‌دادیم تا اپراتور پخش، میکروفن را یک لحظه قطع کند، حالا هم این رسم هست، من هر چه دکمه را فشار دادم میکروفن را قطع نکردند، چون اگر قطع می‌شد، چراغ مخصوص نوری استودیو هم خاموش می‌شد. نگاه کردم دیدم اپراتور پشت دستگاه نیست، آهسته برخاستم از استودیو بیرون رفتم و دیدم اپراتور که به شدت خسته بود